

تاریخچه مجلات ریاضی ایران

۲

غلامرضا یاسی پور

گرچه نتوان خورد طوفان سحاب
 کمی توان گردن به ترک خورد آب
 آب دریا را اگر نتوان کشید
 هم به قدر تشنگی باید چشید^۱

از این کتاب تعریف نمی‌کنیم شما خودتان از آنهایی که آن را خریده‌اند پرسید و بعد تا تمام نشده آن را از کتابخانه‌های عمده تهران خریداری کنید. برای خرید کلی به کتابخانه مرکزی رجوع نمایید. خیابان شاهپور - کتابخانه مرکزی.

نمرهٔ اعلان ۵

به نقل یکی از آگهیهای خجالتی آن نیز می‌پردازیم:

هتل مقدم

(چهارراه حسن آباد)

از منظرهٔ باشکوه این هتل و ارکستر عالی آن که جدیداً با بهترین طرز برای پذیرایی واردین تشکیل شده است استفاده فرمایید.

فامیلهای محترم می‌توانند در این هتل از مهمانهای گرامی خود با بهترین ترتیب پذیرایی نمایند.

مجلهٔ دومی که به بررسی آن می‌پردازیم مجلهٔ ریاضیات دکتر مصاحب است که در سال ۱۳۰۹ در تهران به چاپ رسیده است. نام این مجله چنانکه از روی جلد آن برمی‌آید واحد است و نام خانوادگی‌اش: مجلهٔ ریاضیات دعالی و مقدماتی. مدیر مسئول و مؤسس آن مصاحب و جای اداره‌اش: موقتاً ادارهٔ جریدهٔ قانون، تهران خیابان باب همایون است. مجله در اول و پانزدهم هر ماه با چاپ در مطبعهٔ علمی منتشر می‌شود و وجه اشتراکش در ایران: سالیانه^۲: از ۲۵ تا ۴۰ قران (برای محصلین ۱۰ قران)، ششماهه: فقط برای محصلین ۶ قران^۳ است، و تک‌شماره‌اش یک ریال به فروش می‌رسد. اینها را از روی جلد یعنی به اصطلاح صفحهٔ اول نقل کردیم. اما بشنوید از پشت جلد (یا به اصطلاح مجله‌پردازان صفحهٔ چهارم) که در آن آگهیهای تجارتمی (وگاهی هم خجالتی!) آمده است.^۵ یکی از آگهیهای تجارتمی را نقل می‌کنیم:

کتاب علوم تفریحی

از مطالعهٔ کتاب علوم تفریحی تألیف آقای مصاحب غفلت نکنید. ما

سالیانه همراه نباشد بلاجواب خواهد ماند.^{۱۰}

و در جای دیگر، یعنی در شماره ششم سال اول آن چنین:

باز هم تقاضای تخفیف...!!

ما گمان می‌کردیم با تعیین این وجه اشتراک قلیل و قتمان برای خواندن مراسلات راجع به تخفیف تلف نخواهد شد. متأسفانه هر روز مراسلاتی به ما می‌رسد به این مضمون که ابتداء فکر نشر مجله ریاضیات را تقدیس کرده بقا و دوام مجله و موفقیت ما را مسألت می‌نمایند^{۱۱} و بعد در آخر مراسله می‌نویسند فقط خواهش می‌کنم برای معارف‌پروری یک تومان برای وجه اشتراک آن قبول فرمایید^{۱۲}. گمان می‌کنم نویسندگان این مراسلات خیال می‌کنند وقتی امتیاز مجله ریاضیات داده شد، خداوند هم فرشته‌ای خلق کرد که مخارج آن را (تأدیه)^{۱۳} کند و موجبات بقا و دوام آن را فراهم آورد یا تصور می‌کنند ما سرمایه‌هنگفتی برای نشر مجله ریاضیات وقف کرده‌ایم که مجله را طبع نموده برای معارف‌پروری (!) تقدیم آقایان بکنیم. اگر معنی معارف‌پروری این است خواهش می‌کنیم نه منبعد ما را معارف‌پرور بخوانند و نه مدتی و قتمان را برای خواندن این گونه مراسلات تلف کنند.

به هر حال چون احتمال می‌دهیم بعدها نیز دچار این گونه مراسلات بشویم از جالا اطلاع می‌دهیم که مراسلات راجع به تخفیف بلاجواب خواهد ماند.

(دفتر مجله ریاضیات)

ناگفته نماند که در دوره دوم انتشار مجله، یعنی از سال دوم به بعد، جای مجله به شرکت نشر کتاب، طهران، خیابان ناصرخسرو (ناصریه) انتقال یافته، قطع آن همان طور که قبلاً هم متذکر شدیم، رقمی شده، به جای ماهی دوبار ماهی یک بار انتشار یافته، و تک شماره آن نیز با سه ریال تفاوت قیمت به ۴ ریال ترقی کرده است.

اکنون که از پرداختن به جزئیات - شاید هم کلیات - مجله فراغت

بعد از یک هفته

همه شب ... را از ساعت ۹ به بعد مشاهده فرمایید.^۶

نمره اعلان ۶

شماره‌های سال اول انتشار مجله به قطع جیبی و خط نسخ خوش است اما شماره‌های سال دومش که از آذر ماه ۱۳۱۴ آغاز می‌شود به قطع رقمی و با حروف سربی به چاپ رسیده است.

فریاد دفتر مجله از دست مشترکینی که وجه اشتراک خود را نپرداخته‌اند یا مفت خوانهایی که مایل به پرداختن آن نیستند به عیوق^۷ می‌رسد، و در این مورد مثلاً در شماره اول سال دوم آن تحت عنوان: چرا نشر مجله ریاضیات تعطیل شد؟ چنین می‌خوانیم:

عادت بر این جاری شده است که وقتی مجله‌ای یا روزنامه‌ای پس از مدتی تعطیل، حیات را از سر می‌گیرد در بالای آن این شعر را با خط درشت می‌نویسند:

مدتی این مثنوی تعطیل شد

مهلتی بایست تا خون شیر شد^۸

نگارنده به جای این که مجله را با این گونه مضامین شروع نمایم با عبارتی مختصر و مفید عرض می‌کنم که تنها علت تعطیل نشر مجله ریاضیات بدحسابی جمعی از مشترکین آن بود، بالاخص بسیاری از اشخاصی که صفت معارف‌پروری را جزء لاینفک اسم خود می‌شمارند مرتباً ۲۰ یا ۳۰ شماره از مجله را، از بدو تا ختم آن، تحت عناوین مختلفه دریافت داشتند، بدون این که وجه اشتراک آنها را بپردازند. فعلاً باوجود داشتن مدارک کافی برله^۹ ادعای خود از ذکر اسامی این گونه آقایان صرف نظر می‌کنیم. ولی به اطلاع طالبین این مجله می‌رسانیم که از این به بعد مجله برای هیچ‌کس مجاناً ارسال نخواهد شد و درخواست اشتراک در صورتی که باوجه اشتراک

حاصل کرده‌ایم به ذکر مطالب اصلی یعنی مسائل و مقالات آن می‌پردازیم.

مجله مانند تمام کارهای بعدی مرحوم مصاحب - رحمه الله علیه - شسته و رفته و تمام و کمال است^{۱۴}، و هرچند که به ریاضیات مقدماتی و عالی می‌پردازد از ذکر مطالب تفریحی و تاریخی و موارد ظریف و مسائل لطیف باز نمی‌ماند و به طور کلی به شیوه‌ای است که خواننده را به کار و بار ریاضی علاقه‌مند می‌سازد. نه تنها از ریاضیدانهای گذشته ذکری به میان می‌آورد و در این مورد هم گوشه‌چشمی به ریاضیدانهای ایرانی و اسلامی دارد هم به ریاضیدانهای اروپایی، بلکه به ریاضیات معاصر نیز می‌پردازد و در این زمینه تازه‌ترین مطالب روز را مطرح می‌کند، و با اینهمه از حوادث اجتماعی زمان خود متأثر است و مثلاً در مورد فوت مدیر نامه مقدس جبل‌المتین در اولین صفحه شماره (۷ و ۸) پانزدهم بهمن ماه ۱۳۰۹ شمسی خود چنین می‌نگارد.

هرگز ننمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

(حافظ)

روز ۲۶ آذر آقا سید جلال‌الدین مؤیدالاسلام مدیر نامه مقدس جبل‌المتین^{۱۵} دار فانی را بدرود گفته^{۱۶} و قلب عموم ایرانیان را جریحه‌دار ساخت.

ذکر خدمات این شخص بزرگ در صفحات کوچک مجله ریاضیات نمی‌گنجد و از این گذشته آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است. لهذا برای ابراز آتشی که وقوع این حادثه ناگوار در قلب ما مشتعل ساخته به همین چند سطر قناعت نموده این مصیبت عظیم را به عموم ایرانیان مخصوصاً آقای سیدجمال‌الدین مدیر محترم نامه کهن سال جبل‌المتین تسلیت گفته موفقیت ایشان را در ادامه انتشار جبل‌المتین آرزومندیم (مجله ریاضیات).

همان‌طور که قبلاً هم متذکر شدیم یکی از جنبه‌های مهم و ثابت

مجله پرداختن به تاریخ ریاضی است و در این زمینه همانگونه که در مقاله زیر ملاحظه می‌کنیم از پند و اندرز اخلاقی نیز نمی‌ماند و به موازات تربیت ریاضی به تربیت اخلاقی می‌پردازد. مقاله از شماره پنجم سال اول است:

به قلم دانشمند معظم آقای میرزا عباس خان اقبال^{۱۷}.

ابوریحان بیرونی و حساب دانه‌های گندم خانه‌های شطرنج

در کتب تواریخ اسلامی چنین نقل کرده‌اند که یکی از پادشاهان محلی هند به نام شرام مردی سفاک و ظلم‌پیشه بود و در اندک مدتی بر اثر سوء سیاست و بی‌خردی مملکتش دستخوش فقر و رعایایش قرین تیره‌روزی شدند. برهمنان^{۱۸} آن دیار برای رهایی از این مصیبت به فکر چاره افتادند. عاقبت یکی از ایشان که سمسا نام داشت بازی شطرنج را اختراع کرد و به حضور شاه برد و بدو فهماند که شاه شطرنج با آنکه مهمترین سواران نطع^{۱۹} بازی است بی دستیاری مهره‌های دیگر نمی‌تواند به حرکتی مبادرت کند و اگر معاونت سایر مهره‌ها نباشد هر حرکتی که از او ناشی شود مذبوح^{۲۰} و منجر به هلاکت است.

پادشاه را این بازی فوق‌العاده سرور کرد و به برهن وعده داد که رفتار خود را عوض کند و به پادشاه این اختراع شگرف هرچه بخواهد به او بدهد. برهن که می‌خواست پادشاه را درس دیگری در باب احتیاط و میانه‌روی بیاموزد گفت تنها پادشاهی که ستوعم این است که پادشاه امر فرماید که گماشتگان در خانه اول شطرنج یک دانه گندم بگذارند و در خانه دوم دو برابر گندم خانه اول و در خانه سوم دو برابر عدد گندم خانه دوم، و به همین ترتیب تا خانه آخر عده گندمهای هر خانه را مضاعف خانه قبل از آن بنمایند و مجموع آن گندمها را به من بدهند. پادشاه ابتدا به حقارت این درخواست برهن خندید ولی پس از آنکه به عظمت کمیت حاصل گندمها پی برد دید

که از عهده انجام خواهش برهن بر نمی آید.

از لحاظ تاریخی درست معلوم نیست که این قصه حقیقتی داشته یا نه، بلکه قریب به یقین است که بعضی از حکما آن را برای گرفتن درس عبرت وضع و جعل کرده‌اند ولی از وقتی که قضیه مزبور شایع شده علمای ریاضی در صدد پیدا کردن مجموع گندم خانه‌های شطرنج به طرز مذکور در فوق برآمده و در باب آن زحماتی کشیده‌اند. حالیه که جداول لگاریتم و دستورهای جبری بدون در دست است، حساب این گونه مسائل آسان و کار محصلین کلاسهای متوسطه است، ولی سابقاً که علوم ریاضی ترقیات عصر ما را نداشته و حتی نوشتن معادلات با حروف و علامات نیز معمول نبوده است پیدا کردن جواب مسائلی نظیر مسأله فوق سخت مشکل بوده است.

مسأله فوق چنانکه اشاره شد مبنی بر حساب حاصل جمع یک تصاعد هندسی است با قدر نسبت ۲، و این ایام یافتن جواب آن در چند دقیقه ممکن می‌شود.

ابوریحان محمد ابن احمد بیرونی^{۲۱} (۳۶۲-۴۴۰ هـ) از اجلّه حکما و علمای ریاضی و مورّخین و ادبای ایران که از معتقدین به حرکت زمین بوده و بسیاری از مشکلات ریاضی و هیأت را حل کرده و از بزرگترین مفاخر حقیقی نژاد ایرانی است در باب مسأله فوق نیز فکر کرده و دو قضیه ذیل را یافته و طبق آنها مجموع جمل فوق را حساب کرده است.

قضیه ۱. در صورتی که عده گندم خانه‌ای را بدانیم شماره گندم خانه‌ای که فاصله آن تا این خانه برابر باشد با فاصله این خانه تا خانه اول، برابر است با مجذور عده گندم خانه معلوم. مثلاً عده گندم موجود در خانه ۵، برابر است با ۱۶ چون فاصله خانه ۵ تا خانه اول ۴ خانه است، عده گندم خانه نهم که فاصله آن نیز تا خانه ۵ بیشتر از ۴ خانه نیست برابر خواهد شد با ۱۶^۲ یعنی ۲۵۶، و شماره گندم خانه ۱۷، برابر است با ۲۵۶^۲...

قضیه ۲. عده گندم هر خانه سنهای واحد برابر است با مجموع

گندم خانه‌های قبل از آن. مثلاً شماره گندم خانه ۶ برابر است با ۳۲، مجموع گندم پنج خانه قبل از آن برابر است با ۳۱ دانه، به این ترتیب

$$۱ + ۲ + ۴ + ۸ + ۱۶ = ۳۲ - ۱$$

بعد از ذکر این دو قضیه، ابوریحان می‌گوید اگر فرض کنیم که شطرنج به جای ۶۴ خانه ۶۵ خانه داشته باشد، بر طبق قضیه ۲ عده گندم خانه ۶۵، برابر می‌شود با مجموع گندمهای خانه‌های ماقبل آن سنهای واحد، و این مجموع گندم ۶۴ خانه شطرنج است. پس ابتدا باید شماره گندم موجود در خانه ۶۵ را یافت.

به موجب قضیه ۱ چون خانه ۳۳ واسطه بین خانه ۶۵ و خانه اول، یعنی از هر دو به یک فاصله است، پس مربع گندمهای موجود در آن خانه برابر است با عده گندم خانه ۶۵، و مربع عده گندم خانه ۱۷ (واسطه بین خانه ۳۳ و خانه اول) برابر با عده گندم خانه ۳۳ و مربع عده گندم خانه ۹ (واسطه بین دو خانه ۱۷ و اول) برابر با گندم خانه ۱۷ و مربع شماره گندم خانه ۵ (واسطه بین دو خانه ۹ و اول) برابر با عده گندم خانه ۹، و مجذور عده گندم خانه ۳ (واسطه بین دو خانه ۵ و اول) برابر با شماره گندم خانه ۵ و مربع عده گندم خانه ۲ (واسطه بین خانه‌های ۳ و اول) یعنی چهار مساوی است با عده گندم خانه ۳ و مجذور ۴ یعنی ۱۶ شماره گندم خانه ۵ است، و مجذور ۱۶ یعنی ۲۵۶ مساوی است با عده گندم خانه ۹ و مجذور ۲۵۶ یعنی ۶۵۵۳۶ برابر است با عده گندم خانه ۱۷ و مجذور عدد اخیر یعنی ۲۹۶، ۹۶۷، ۴۹۴، ۴ عده گندم خانه ۳۳ است، و اگر این عدد آخری را در خود ضرب کنیم حاصل یعنی:

$$۱۸،۴۴۶،۷۴۴،۰۷۳،۷۰۹،۵۵۱،۶۱۶$$

عده گندمهای خانه ۶۵ است، و چون این عدد، به موجب قضیه ۲، سنهای واحد برابر است با مجموع گندمهایی که در کل خانه‌های ماقبل خانه ۶۵ یعنی در ۶۴ (خانه) شطرنج گذاشته شده، پس مجموع گندمهای خانه‌های ۶۴ گانه شطرنج به موجب حساب فاضل استاد ابوریحان بیرونی عدد بیست رقمی ذیل است:

$$۱۸،۴۴۶،۷۴۴،۰۷۳،۷۰۹،۵۵۱،۶۱۵$$

تکرار نموده و هر دفعه که علی بابا به جعبه‌ها سرکشی کرد موافق حساب خود نقصی در جعبه‌ها ندید.

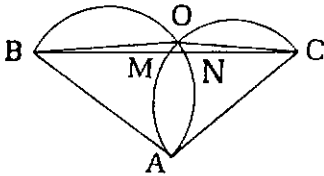
حال بگویید نوکر علی بابا چه حيله‌ای به کار برده و چگونه مکان شیشه‌ها را تغییر داده است.

مجله همانطور که قبلاً هم ذکر کردیم به مطالب متنوع می‌پردازد و بخشی به نام حیل ریاضی دارد و بخشی به نام حکایات و اقسوال، دو مطلب زیر را به ترتیب از این دو بخش برداشته‌ایم:

حیل ریاضی

اولاً مجموع زوایای مثلث از دو قائمه زیادتر است، ثانیاً دو خط عمود بر یک خط متقاطعند، ثالثاً بر دو نقطه مفروض بیش از یک خط مستقیم مرور می‌کند.

برهان: برای اثبات قضیه زاویه‌ای مانند BAC رسم نموده به قطر هر یک از اضلاع آن نیم‌دایره‌ای رسم کرده خط BC را رسم می‌کنیم و



فرض می‌کنیم M و N نقاط تقاطع آن با دایره مرسوم باشند. اولاً چون هر یک از زوایای AMC و ANB در نیم‌دایره محاطند مساوی یک قائمه خواهند بود و بنابراین مجموع زوایای مثلث AMN از دو قائمه متجاوز است. ثانیاً دو خط AM و AN که بر BC عمودند بر A تقاطع نموده‌اند. ثالثاً هر یک از زوایای BOA و COA قائمه‌اند و بنابراین خط BOC مستقیم است، و چون BC نیز مستقیم می‌باشد بر B و C دو مستقیم مرور کرده. مثبت المطلوب^{۲۴}.

عشق به حساب

بسیاری از دانشمندان عشق مفرطی به حساب داشته‌اند. آمپر^{۲۵}

البته بابا به کار بردن دستور^{۲۲}

$$S = \frac{t_1 (r^n - 1)}{r - 1}$$

و داشتن جدول لگاریتم، عمل کردن بر طبق قضایای فوق و اجرای چندین عمل ضرب، امروز دیگر لازم نیست، ولی در عهدی که این نوع دستورها و جداول معمول نبوده پیدا کردن دو قضیه مذکور و یافتن حاصل‌گندمها به وجه ساده مرقوم در فوق، یکی از شاهکارها محسوب می‌شده و نماینده هوش و درجه استادی ابوریحان بیرونی است.

از خانه‌های ۶۴ گانه شطرنج بیرون می‌آیم و یک راست به زیرزمین علی بابا که هر چند کور است روشنند است می‌رویم. مسأله را از همین شماره برداشته‌ایم.

زیرزمین علی بابا

شریت فروش کوری موسوم به علی بابا در زیرزمین منزل خود نه جعبه به طریقی که در شکل دیده می‌شود گذارده، جعبه وسط را برای شیشه‌های خالی معین کرده و در هر یک از چهار جعبه گوشه‌ها سه شیشه و در چهار جعبه دیگر ده شیشه شریت نهاده بود. نوکر علی بابا^{۲۳} روزی که خانه را خالی یافت چهار شیشه شریت از جعبه‌های مذکور دزدید. یکی از همسایگان علی بابا که موضوع را ملتفت شده بود وی را آگاه ساخت.

۳	۱۰	۳
۱۰		۱۰
۳	۱۰	۳

علی بابا به زیرزمین سرکشی کرده مشاهده نمود که شیشه‌های اطراف تغییر نکرده، بدین معنی که در هر طرف همان ۱۶ شیشه شریت موجود است. لهذا خیال کرد به نوکرش تهمت زده‌اند. نوکر از سادگی ارباب و این اتفاق استفاده کرده سه دفعه دیگر دزدی خود را

- استثنائاتی چون عنصری که از نقره دیگدان می‌زده و از زرات‌آلات خون می‌ساخته می‌گذریم.
- ۱۳- این کلمه در نسخه‌ای که در دست این جانب است و آن را نیز مانند نسخ مربوط به مقاله اول از استاد پرویز شهریاری به امانت گرفته‌ام، به علت رنگی پاک شده و به گمانش آورده‌ایم.
- ۱۴- و این نشان می‌دهد که کارهای کوچک و اولیه مردان بزرگ همچنان آثاری از بزرگی دارد و مرد بزرگ در هر مرحله از حیات خود بزرگی خود را می‌نماید و به یاد این مصراع می‌افتم: که چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار.
- ۱۵- ریسمان محکم، عروقه‌الوقفی
- ۱۶- ظاهراً «و» زیادی است.
- ۱۷- عباس اقبال آشتیانی، محقق و مورخ ایرانی (۱۲۷۵ - ۱۳۳۴). وی در آغاز جوانی درودگر بود و سپس به تحصیل پرداخت و دوره دارالفنون را به پایان رسانید و به معاونت کتابخانه معارف انتخاب گردید. به معلمی مدارس نظام، مدرسه علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی منصوب شد. به اخذ درجه لیسانس از سوربن نایل آمد. پس از بازگشت به ایران به سمت استادی دانشگاه و عضویت فرهنگستان انتخاب شد. در ۱۳۲۴ مجله یادگار را تأسیس کرد که پنج دوره آن منتشر شده. در تحقیقات تاریخی و ادبی روش عالمانه‌ای دارد. «نقل به اختصار از فرهنگ معین».
- ۱۸- بَرَهْمَن، پیشوای روحانی مذهب برهمنایی، برهما: یکی از سه خدای مذهب برهمنایی، کلمه‌ای است از هندی گرفته شده.
- ۱۹- بساط چرمینی که محکومان را بر آن گردن می‌زدند. در اینجا معنی صفحه شطرنج یا میدان کارزار است.
- ۲۰- تَدْبُوْح: گلوبریده، کشته
- ۲۱- ریاضیدان و فیلسوف ایرانی اهل بیرون خوارزم (۳۶۲ - ۴۴۰ هـ). کتاب «آثار - الباقیه» را به نام فابوس بن وشمگیر تألیف کرد. در دربار ابوالعباس مأمون بن مأمون مدتی بزیست. در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود. زبان سنسکریت را بیاموخت و کتاب «تحقیق ماللهند» را تألیف کرد. کتاب مهم دیگر او «التفهیم» است که آن را به عربی و فارسی (جدگانه) تألیف کرده‌است. فرهنگ معین.
- ۲۲- حروف دستور مزبور را مطابق با حروف روز کمی تغییر داده‌ایم.
- ۲۳- علی بابای کور شربت فروش، توان نوکرنگهداشتن نداشته، مگر آنکه نوکر را به معنای «عصا کش» در نظر بگیریم.
- ۲۴- مطلب مورد نظر ثابت شد.
- ۲۵- فیزیکدان فرانسوی (۱۷۷۵ - ۱۸۳۶) سوجد رشته الکترودینامیک و مخترع الکتروامان، دستگاه تلگراف الکتروماتمییک. در فلسفه و ریاضی نیز تحقیقات بسیار دارد. فرهنگ معین.
- ۲۶- مترجم و نویسنده نامدار معاصر

دانشمند شهیر و عالم معروف فرانسوی در علاقه‌ای که به این قسمت داشته مشهور است، چنان که گویند قبل از این که ارقام را شناخته و قادر به نوشتن آنها باشد با سنگ ریزه و لوییا حسابهای بس طولانی می‌نمود.

و نیز گویند در کودکی کسالتی عارض وی شده بود و برای این که فکرش راحت باشد مادرش او را از لویاهای عزیزش جدا ساخته بود. امپر لقمه نانی را که پس از سه روز گرسنگی و پرهیز به وی داده بودند خرد کرده مشغول محاسبات خود گردید!!

در این جا و پیش از این که به ذکر بعضی از مقالات دیگر این مجله بپردازیم بعضی از مسائل مطرح شده در آن را با حل شان می‌آوریم، این رانیز ذکر می‌کنیم که بعضی از این مسائل را افرادی فرستاده‌اند که بعدها از ناموران این دیار شدند و از آن جمله‌اند احمد آرام.^{۲۶}

ادامه دارد...

یادداشتها

- ۱- مثنوی، دفتر پنجم
- ۲- قانون با ریاضی مناسبتی بیش از هم محل بودن دارد.
- ۳- ظاهراً سالانه درست‌تر است.
- ۴- خدا پدرشان را بیمارزد که به فکر محصلین بیچاره بوده‌اند.
- ۵- شاید برای جور کردن دخل و خرج
- ۶- شاید در آن زمانها، مشاهده رقص و نه «رقصیدن» برای ریاضیدانهای عزیز مفید به نظر می‌رسیده است.
- ۷- ستاره‌ای در آسمان. تمبیر از محشم کاشانی و از دوازده بند معروف اوست.
- ۸- صورت صحیح این بیت که اولین بیت دفتر دوم مثنوی مولوی است چنین است: مدنی ایمن مثنوی تأخیر شد
- مهلتی بایست تا خون شیر شد
- ۹- ظاهراً «بره» زیادی است.
- ۱۰- در این جا و در بقیه نقل قولها شیوه نگارش نویسنده را تغییر نداده‌ایم و تنها به تغییر رسم‌الخط اکتفا کرده‌ایم.
- ۱۱- تأکیدها همه جا از متن اصلی است.
- ۱۲- بعد از همه این حرفها این چنین هم می‌نماید که بعضی از مشترکین فصد خوردن وجه اشتراک مجله را نداشته‌اند و واقماً بی‌پول بوده‌اند، این هم معلوم می‌شود که در قدیم هم قلم شاه جهان نبوده و قلم زن را به دولت نمی‌رسانده است، البته از